

پلخمون

شماره ۱۰۵

شماره روزنامه ۴۲۱۴
شنبه ۲۲ اردیبهشت
۱۴۰۳

ضمیمه طنز
و کاریکاتور
روزنامه شهر آرا



بازار خودرو در کمای عمیق (جراید)

قیمت: قبلا حساب شده:



کارون / محمد علی رحیمی

کپی/ک / صفحه ۸

صرفه جویی
در خنک شدن

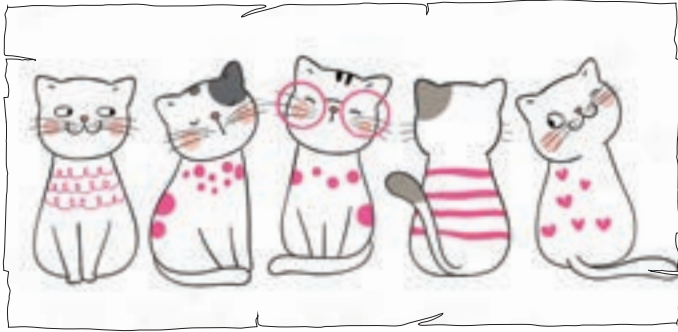
کپی/ک / صفحه ۴

یه مورد اجاره دارم نورگیر
فقط بو می ده!

ماژولاق / صفحه ۲

راهکارهایی برای
رونق دانشگاهها

راهکارهایی برای رونق دانشگاهها



وزیر علوم به تازگی گفته است: «دانشگاه‌هایی که دانشجو کم دارند یا ظرفیتشان کاهش پیدا کرده است، یا اولویتشان را تغییر می‌دهیم یا اینکه با برخی دیگر از دانشگاه‌ها ادغام می‌کنیم.» در همین راستا کارشناسان «پلخمون» پس از ساعت‌ها جلسه که همراه با میوه و پذیرایی بود، خروجی‌های بسیاری داشتند. یک دسته از این خروجی‌ها قوطی‌های خالی آب میوه و پوست موز بود و دسته دیگر این خروجی‌ها این پیشنهادها بود که به شما ارائه می‌شود:

پیشنهاد اول: «این همه سال بیست سی تا دانشجو سر کلاس می‌نشستند و یک استاد برایشان تدریس می‌کرد. حالا چه اشکالی دارد که بیست سی تا استاد بنشینند و برای یک دانشجو هم‌زمان تدریس کنند.» این پیشنهاد در وهله اول با تشویق دیگر اعضا روبه‌رو شد. اما هنگامی که محاسبه کردند به این ترتیب چقدر هزینه تحصیل هر دانشجو بالا می‌رود، بی‌خیال این طرح شدند.

پیشنهاد دوم: «بهرتر است همان‌گونه که وزیر گفته است، اولویت این دانشگاه‌ها تغییر کند و مثلاً خلاف الان که اولویت دانشگاه‌ها فقط تولید علم و علم‌آموزی و این‌طور چیزهاست، از این پس اولویتشان کسب ثروت و پول شود. به این ترتیب می‌توانند مثلاً اگر کلاسی به دلیل نبود دانشجو تعطیل شده است، آنجا تولیدی سوسیس و کالباس بزنند. چیزی هم که زیاد است، گریه.» این پیشنهاد نیز وقتی رد شد که کارشناسان پلخمون آگاه شدند سوسیس و کالباس از گربه درست نمی‌شود، بلکه از گوشت بسیار باکیفیت گاو و گوسفند تولید می‌گردد.

پیشنهاد سوم: «می‌توان برای کاهش کمبود دانشجو، راهکارهایی را عملی کرد؛ مثلاً به یک کافی‌شاپ برویم که جوان‌های زیادی در آن حضور دارند. بعد یکپو در را ببندیم و تابلو کافی‌شاپ را به دانشگاه تغییر دهیم و یک استاد بفرستیم که بهشان درس بدهد و تا شهری‌شان را هم پرداخت نکرده‌اند، نگذاریم از آنجا خارج شوند. به صاحب کافی‌شاپ هم نشانی دانشگاه‌های بدون دانشجو را بدهیم و بگوییم برو همان‌جا کافی‌شاپ بزن، اون ساختمون مال شما.» این پیشنهاد نیز با توجه به اینکه اکثر کارشناسان پلخمون خودشان هر روز در کافی‌شاپ‌ها حضور داشتند، رد شد. چون بنا به گفته خودشان حال و حوصله درس و تحصیل و... را نداشتند.

به هم‌بین برکت!

اگر شما هم واکسن آسترانکا زدن، بهتره این یادداشت رو بخونین. شمایی هم که نزدین، بخونین. حتی اگر اسپایکوژن هم زدن، باز هم بخونین. تو رو خدا بخونین. اگر برگردیم به دوسه سال پیش که عده‌ای برای اینکه جون سالم به دربرن و آب مقطر زده باشن و واکسن اورجینال انگلیس رو بر بدن زده باشن تا بتونن با اون به خارج از کشور سفر کنن و در به در دنبال فایزر و آسترانکا بودن و حتی از واکسن چینی سینوفارم هم فرار می‌کردن، احتمالاً شما در صف اول کسانی قرار می‌گیرین که می‌گین یا برکت، یا هیچ‌کس!

آسترانکا اعلام کرده که هیچی نشده. فقط کمی خونتون لخته می‌شه و ممکنه نتونین دیگه توی این دنیا بمونین، همین. به جاش می‌تونین با خون لخته شده به همه جای دنیا سفر کنین و بچرخین. آسترانکا که خون رو لخته می‌کنه، با سینوفارم هم که زامبی می‌شدین، همین برکت که آب مقطر بود، فعلاً از همه بهتر بوده. خوبی زدن واکسن ایرانی این بود که الان با خیال راحت دراز کشیدن و تماشا می‌کنن اونایی که برای یه دوز واکسن رفته بودن ارمنستان و آواره شده بودن، بالاخره زامبی می‌شن یا نه! وقتشه «سحر زکریا» بیاد و یه دور دیگه داد و بیداد کنه که چرا گذاشتین ما آسترانکا بزیم؟! اینکه بعد دو سال درحالی که دیگه کسی نمونده که واکسن بزنه، تازه داره واکسنش جمع می‌شه هم جالبه! حالا اگر شما جزو کسانی هستین که آسترانکا زدن، نگران نباشین، بالاخره هنوز خیلی مونده تا بقیه عوارض هم دربیاد. نه، یعنی چیزه، خیلی مونده تا خونتون لخته بشه. سرانجام همه مون هم مرگه و تهش به همون جا می‌رسیم. فعلاً ناراحت نباشین، سعی کنین روزی هشت لیوان آب بخورین، قوز نکنین، کتاب بخونین و حموم برین. این توی لخته نشدن خونتون تأثیری نداره، ولی دست کم زندگی سالمی دارین. به هم‌بین برکت قسم.



صفحه ۲
۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۳
شماره ۱۰۵

کُخ تو رُخ منصوره احمدی

ششمین اجلاس مشترک همکاری‌های اقتصادی ایران و عراق در تهران



صندوق بین‌المللی پول: دولت سیزدهم ایران کم‌خرج‌ترین دولت در حال توسعه

۱ زنگ بزن فری کثیف فلافل چارنون بزنه به تعداد مهمونا. نوشابه هم خانواده می‌گیری ها. خودت و بچه‌ها هم نیمرو می‌خورین امروز. بشت هر دولت کم‌خرجی به وزیر اقتصاد خوش فکر وجود داره! ها راستی به‌کد تخفیف بیست تومن اسنپ فود هم داریم، بزنی ها.

۲ ولی قربان، بچه‌ها دست مهمونا فلافل ببین، دلشون می‌کشه، بهونه می‌کنن ها...

تجلیل از مدال‌آوران ورزش کشور با حضور رئیس‌جمهور



رئیس‌جمهور: روزانه از وضعیت کالاهای سفره و معیشت مردم اطلاع کسب می‌کنم

۱ ماشالا جوونامون چه رشد خوبی دارن! مشخصه تغذیه شون خوبه. خب دیگه خیالتم از سفره و معیشت امروز مردم هم راحت شد.

نخستین گردهمایی گروه‌های جهادی وزارت راه و شهرسازی



یک میلیون نفر در صف وام‌دبچه مسکن

۱ ماشالا! کلاس چندمی عمو؟ رفتی خونه می‌گی بابا برات وام‌دبچه مسکن ثبت نام کنه که ایشالا تا دوامد می‌شی کاری اداری و تخصصی اعتبارش انجام بشه.

۲ کلاس پنجم، ولیمه؟ وام ولیمه چیه عمو؟

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در آیین افتتاحیه سی و پنجمین نمایشگاه کتاب تهران



۱ قیمت کتاب رشد ۱۱۰ درصدی داشته قربان، چه توضیحی دارین؟

۱ نرخ خوراک در همه حوزه‌ها رشد چندبرابری داشته، از خوراک پتروشیمی‌ها بگیر تا خوراک دام و خوراک هندی! این که دیگه خوراک مغزه، جای خود داره! ((

فال دندان پزشکی

در این ظلمت سرتاکی به بوی دوست بنشینم
کهی انگشت بر دندان گهی سر بر سر زانو
بیا ای طایر دولت، بیاور مژده وصلی
عسی الایام أن یزجغن قوماً کأذی کانوا

ای صاحب فال! فکر می کنی آدم زرتگی هستی؟ زکی! مدتی است دندان درد داری، ولی به دندان پزشکی نمی روی و منتظری دوستی بیاید کمک و تو را به دندان پزشکی ببرد و با ترفندی هزینه های دندان پزشکی را به گردن او بیندازی! ولی دوستانت از تو جَلَب تر هستند و نزدیکت نمی آیند و حتی بویشان هم به تو نمی خورد! تو هم مجبوری از دندان درد به خود بیچی یا انگشتت را روی دندان کرم خورده فشار دهی یا سر را روی زانو بکوبی! آن قدر هم خسیس هستی که نمی روی یک ورق ژلوفن یا مفنامیک اسید بخری! در بیت دوم اشاره شده است که نه تنها زرتگی نیستی، بلکه آن قدر خل و چل هم هستی که به دولت امید داری تا کاری کند و هزینه های درمانی دندان را به آن چیزی که قبلاً بوده است، برگرداند! خواه می گوید باش تا برگرداند! تنها امیدی که می توانی داشته باشی، به دانشمندان ژاپنی است تا تحقیقات آن دارویی که گفته اند برای رشد مجدد دندان ساخته اند، کامل شود و وارد بازار دارویی شود. فقط چند سال درد را تحمل کن!



در حاشیه درخواست رژیم صهیونیستی از آمریکا برای تحریم سازمان ملل

جوابیدن

سلام بایدن جون، چطوری؟ موافقی بریم تو کاریه تحریم جدید؟

سلام به شماها، مگه جایی هم مونده که تحریم نکرده باشیم!؟

داداش! خصوصی بهت پیام دادم، چرا باز به جمع سلام می کنی؟! چرا این قدر مشکل داری؟ یعنی از تو معیوب تر نبود بذارن رئیس جمهور؟

عه بنیامین نتانیاهو بیه نرفه؟! من فکر می کردم دوتاییین.

تو دیگه خیلی رددادی مرد! حالا ولش کن، آقا بازیکی با مادا بگیر شده، نمی خوای تحریمش کنی؟

کی؟! ما تا ابد ارجی وزارت دفاع ایران رو هم تحریم کردیم، کسی نمونده دیگه.

نه، مسئله ایران نیست، سازمان ملل می خواد فلسطین رو به رسمیت بشناسه، اونارو تحریم کن.

باز تراز موتوری جنس گرفتی؟ سازمان ملل رو تحریم کنم؟

آره دیگه، مشککش چیه؟

شما دوتا از من هم خنگ ترین!

جوابور کن من به نفرم.

خب انسان دوپا! سازمان ملل رو چه جوری تحریم کنم، من عضو شم، رئیسش که نیستم، نهایت رای دادن، وتومی کنم دیگه، تحریم که نمی شه

حیف شد. 😞 حالا که نمی شه به بودجه بده من به کشور رسمی فلسطین حمله کنم.

حله نئی، من برسوم کاخ سفید، برات چکش رو می نویسم، من برم بنیامین جان، کار دارم، به نتانیاهو سلام برسون.

آقا باور کن من به نفرم.

صفحه ۲
۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۳
شماره ۱۰۵

شباهت نگهداری ریال و آب

بخوایم از طلا فروشی اسرقت کنیم، اتهام فک پلمب هم به سرقت اضافه می شه، یا به علت متخلف بودن طلا فروشی تیرنه می شیم!؟

شهرآرا: شیب اعتبارات به سمت مناطق حاشیه شهر مشهد **بافرا:** آگه وسط راه، بالاشهر یا اعتبارات رو به سمت خود شون منحرف نکنن!

جمهوری اسلامی: مردم هیچ علاقه ای به نگهداری ریال ندارند **بافرا:** چون نگهداری ریال توی جیب مثل نگهداری آب توی مشته، هرچی بیشتر نگه داری، کمتر می شه!



شهرآرا: ۸۰ درصد مدارس استثنایی استان خیرساز است **بافرا:** مردم به دستی برسونن اون ۲۰ درصد رو هم بسازن که به وقت آموزش و پرورش توی زحمت نیفته!

شهرآرا: فعالیت معادن شن و ماسه در حوالی آرامگاه فردوسی **بافرا:** فردوسی، پی افکندم از نظم کاخی بلند/ که از باد و باران نیابد گزند// ولی بردن ماسه ها شد سبب/ که قبرم به زودی بیابد گزند!



شهرآرا: ارتقای فرهنگ تفکیک زباله از مبدأ با کمک شهروندان مشهدی **بافرا:** شهروندان، شما به جای نمک به ما زعفران بده، بین چه جوری مو رواج ماست تفکیک می کنیم!

ایسنا: رونمایی از سامانه شناسایی بیکاران، به زودی **بافرا:** واسه راه اندازی و رونمایی از همین سامانه، کلی آدم بیکار از بیکاری درمی آن!

شهرآرا: پلمب طلا فروشی های متخلف در مشهد **بافرا:** جمعی از سارقان، حالا که ما

آب گرفتگی و فرونشست های متعزز در محوطه باستان نقش رستم

چو فردا برآید بلند آفتاب
نباشد در اینجا دگر جای خواب
بگو رخسار تا نماید شتاب
وگر نه رود تا به زانو در آب!



اولین داروی رشد دوباره دندان ها به مرحله آزمایش رسید

امروز جویدنم نباید
گازی به کباب هم نشاید
چون گوشت نمی توان خریدن
دندان به چه کار بنده آید!؟



معاملات مسکن در تهران از طریق بیت کوین

خداوندا خودت دانی که بگیرم
گرونی و تورم کرده پیرم
خبر داری از اوضاع اجاره
رسان بیتی که تا بیتی بگیرم



یک میلیون نفر در صف وام و ریوهم مسکن قرار دارند

چرا پس وام ما امضا نمی شه؟
می گن امروز یا فردا نمی شه
به وام مسکن ما خورده قفلی
کلیدش گم شده، در و ا نمی شه!



گزارش پاشنه در مستأجران را از جانکند

یه مورد اجاره دارم نورگیر، فقط بومی ره!



کارتون: عمید صالحی

● مشتری: آقا خونه اجاره ای دارین؟

● بنگاه دار: تا چقدر می تونی بدی؟

● بستگی داره... اگه به اندازه حقوقم باشه که خوبه، ولی اگه بیشتر باشه، باید برم سراغ کار دوم.

● حقوق چقدره؟

● حدود ۱۵ تومن. ولی بعضی ماه ها اضافه کار وای میستم، به ۱۶ تومن هم می رسه!

● اوه، ماشالا! ببین، یه مورد دارم پنجاه متری، نورگیر عالی، ولی باید به فکر کار دوم و سوم هم باشی. بعضی شبا هم نباید شام بخورین تا بتونی اجاره رو بدی!

● کوچیک تر چی؟ من و خانومم هستیم فقط، بچه نداریم. می تونیم جمع و جورتر زندگی کنیم.

● یه مورد دارم چهل متری، ۱۵ تومن، ولی نور نداره.

● عیب نداره، صبحا می ریم بیرون زیر آفتاب وای میسستیم تا ویتامین دی بدنمون تأمین بشه. پول پیش چقدر می خواد؟

● ۵۰۰، داری؟

● یه مقدارش رو دارم، یه مقدارش هم برای وام ودیعه مسکن ثبت نام کردم، به زودی نوبتم می شه.

● آره، بشین که نوبت بشه! بیشتر از یک میلیون نفر توی صف دریافت وام ودیعه مسکن هستن.

● ولی من زود اسمم درمی آد، شانسم خوبه!

● کاملا معلومه شانست! بیا یه مورد دیگه بهت بدم. یه مقدار کوچیک تره، ولی پیش ۲۰۰ تومن می خواد، اجاره هم ۱۰۰ البته مزیتش اینه که نور خوبی داره.

● (با خوش حالی): عه! خب چرا این رو زودتر نگفتی؟ چند متره؟

● ۲۷ متره که اگه محکم تر سر متر رو بکشی، به ۳۰ متر هم می رسه.

● عیب نداره، فوقش مهمون دعوت نمی کنیم دیگه. کجاست؟

● همین نزدیکه، فقط یه اشکال جزئی داره. الان بهت می گم تا بعدا فسخ نکنی. یه کم بومی ده!

● فدای سرت، حله.

● سوئیت بالای یه رستوران.

● بوی غذا که عالی، آقا بریم ببینیم.

● نه بوی غذا نیست! عوضش نور داره. لازم هم نیست دیگه توی صف وام ودیعه بمونی.

● حالا صف رو که عادت داریم همه مون، عیب

نداره. تازه ماتوی صف باشیم، خیال مسئولاهم راحت می شه که یه عده همیشه توی صف هستن. مشکلات هم یا حل می شن، یا یادامون می ره، یا عادت می کنیم، یا آخرش می میریم! بریم آقا ببینیم تا نورش نرفته، فوقش ماسک می زنیم دیگه!

صفحه ۴

۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

شماره ۱۰۵

از تابلوهای راهنمایی قدردانی کنید!



فرهنگ شهروندی
فرهاد ناجی

خیلی از ما موقع رانندگی به تابلوهای خوشگل و مامانی و رنگی پنگی کنار جاده یا خیابون خیلی دقت نمی کنیم. ولی تجربه نشون داده که با دقت کردن به اونا می تونیم از خیلی حوادث مختلف جلوگیری کنیم. متأسفانه بی توجهی به این تابلوهای نا ناز و دوست داشتنی بیشتر حوادث ناگوار رو به همراه داره. گاهی هم ممکنه شما توی یه دوراهی گیر کنین. منظورم از اون دوراهی های واقعی نیست ها.

منظورم دوراهی های فیکه. مثلا شما تابلو سبقت ممنوع رو کنار جاده می بینین، ولی خط سفید وسط جاده به صورت خط چین، یعنی می تونین سبقت بگیرین. پیشنهاد می کنم توی این جور مواقع به همون مسیر عادی تون ادامه بدین و به علائم موجود اصلا هیچ اهمیتی ندین. چون اونا تکلیفشون با خودشون معلوم نیست، چه برسه با شما، یا مثلا موقع سرعت گرفتن توی اتوبان می بینین

حداکثر سرعت روزن ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت و دوربینا رو هم تنظیم کردن که اگه ۱۳۰ رو رد کردین، جریمه کنن، ولی دو قدم جلوتر پلیس و ایستاده و وااستون سرعت ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت رو هم جریمه می کنه. پس به نفع تونه که به تابلوها احترام بذارین. البته این نکته رو هم باید بگم که گاهی هم راننده ها هرچی دقت می کنن، هیچ تابلویی توی جاده نمی بینن. خب این مشکل از راننده هاست که توقع

وزیر صمت: بهانه می‌کنند که ما فوری اتوبوس می‌خواهیم. در تولید اتوبوس نیاز مندرجات نیستیم

روز نوشت های یک اتوبوس ساز



کارتون: محمد علی رحیمی

شنبه

امروز از یک سازمانی آمده بودند برای مذاکره و می‌گفتند که چند تا اتوبوس می‌خواهیم. گفتیم بسیار عالی، در خدمتیم. گفتند فقط فوری می‌خواهیم. گفتیم شرمند، خم رنگریزی نیست که از این ور حلی بدیم و از آن طرف اتوبوس تحویل بگیریم. زمان می‌خواهد. گفتند برویم یک دوری بزنیم، خبر می‌دهیم.

یکشنبه

مسئول خرید آن سازمان پیام داد که «چی شد؟» انگار طلبکار است. می‌خواستیم جوابش را بدهم که «با این طرز حرف زدن، آگه اتوبوس آماده هم توی پارکینگ داشته باشیم، بهت نمی‌دم.» ولی بی‌خیال شدم. گفتم «حالا چند تا می‌خواهین؟» گفت «زیاد می‌خواهیم.» خب معلوم شد که کارشان گیر ماست. گفتم «پس صبر کنین.» سین کرد، ولی جواب نداد بی‌تربیت.

دوشنبه

قضیه را به گوش مشاور وزیر رساندیم. وزیر صمت هم گفته بود «بهانه می‌کنند که ما فوری اتوبوس می‌خواهیم. در تولید اتوبوس نیازمند واردات نیستیم.» دقیقاً همین است. واقعا چه بهانه‌ها که نمی‌آورند. اتوبوس هم یک نوع خودرو است. چطور برای پیش خرید خودرو سال‌ها صبر می‌کنند، ولی به اتوبوس که می‌رسد، همه عجله دارند؟ تازه بعد از پرداخت همه قیمت و چند سال صبر کردن، هنوز نمی‌دانند که چه ماشینی تحویل خواهند گرفت. ولی ما مطمئنیم که بالاخره اتوبوس بهشان تحویل می‌دهیم.

سه‌شنبه

شنیدم که رفته‌اند بایک شرکت خارجی برای خرید اتوبوس صحبت کرده‌اند. واقعا متأسفم که این طوری از تولیدکنندگان داخلی حمایت می‌کنند. حیف ماکه برای این افراد قدرشناس زحمت می‌کشیم. ما هم باید بزنیم توی گرفتن ارز دولتی و گوش پاک‌کن و دسته‌هاون و کفی دمپایی و چای و برنج و روغن فاسد وارد کنیم و بعد هم اختلاف ارزها را تحویل ندهیم تا حساب کار دستشان بیاید.

چهارشنبه

خواندم که رئیس جمهور گفته‌اند کار مردم نباید به تعویق بیفتد. به همین خاطر دلم نرم شد و به مسئول خرید آن سازمان پیام دادم که برای مذاکره بیاید. این دفعه اصلاً سین نکرد. فکر کنم بلاکم کرده است. من باشم که دیگر بخوایم کار مردم راز را ببندیم. بشکند این دست که نمک ندارد.

پنجشنبه

خبر دادند اتوبوس‌های خارجی خرید شده و در راه رسیدن به کشور است. حالا دارم برایشان تعمیرکار و تعمیرگاه و لوازم یدکی که می‌خواهند، کاری می‌کنم که از صندوق بغل اتوبوس‌هایشان صد تا مینی بوس بزنند بیرون!

صفحه ۵
۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۳
شماره ۱۰۵



گردن این تابلوهای راهنمایی و لوح تقدیر بهشون بچسبونین. بعد که اومدن و بردنتون ایستگاه روان پریشان، نگین کی بود، کی بود، من نبودم و بندازین گردن من. البته مسیرم طوریه که خودم همیشه از همون سمت و سو رد می‌شم، ولی بیشتر به خاطر خودتون می‌گم. چون هزینه گل و چاپ تقدیرنامه خیلی زیاد درمی‌آد و ما راضی نیستیم توی این گرونی این قدر هزینه روی دستتون بذاریم.

دارن همه جا تابلو باشه. شما حالت عادی که تابلوها رو نمی‌بینین، پس این جور مواقع راست دماغتون رو بگیرین برین جلو و به بقیه‌ش کاری نداشته باشین. پس همون طور که دیدین، به جز موارد خاص، این تابلوها خیلی مفیدن و باید بهشون احترام بذاریم و ازشون قدردانی کنیم. البته بعد از خوندن این مطلب، فردا پس فردا راه نیفتین توی کوچه و خیابون و یه دسته گل بندازین

هواي همه مناطق مشهد در وضعیت پاک قرار گرفت

صفحه ۶

نماینده مجلس:

جراحی در سفرم
مردم هم
بروز جوش روی
دماغ میزبندی

نیست، نباید
هرجا که کم
آوردیم،

روانست

دست را

بشهر مردم ببریم

ججت ترکان به سمت جوش

صفحه ۶

رئیس اتحادیه بازرگانان

کانه برای مرحله دوم انتخابات مجلس در تهران گفت:

رابطه‌ای میان استیضاح و گرفتن فیدبکتی
پساز وجود ندارد بوی به دهان

صفحه ۶

رئیس اتاق اصناف بی انصاف بارسلونا:

مردم دیگر علاقه‌ای به نگهداری ریال ندارند

صفحه ۶

وزیر ارتباطات:

جور هابی که توی مردم هست
جور هابی که توی گوشه‌های ایرانی رقابت با

گوشی‌های خارجی را دارد

مردم هست

صفحه ۶

هواشناسی با صدور

اطلاعیهای درباره

بارش‌های سیل‌زا

به مردم هشدار

داد وقت را نازر

نارنجی

هستین بیرون نیابین

صفحه ۶

خراب

خطر خالی شدن

رستگانه‌های کارت فلان

ایده‌های ادواتی

از پزشکان مجرب

در مطب

صفحه ۶

WikiLeaks

وبپی ویکیس

مخبره جواد قاسمی خواه

افشای مکالمات جلسه تصمیم‌گیری درباره توهین به بانوان در بازی پرسپولیس و سپاهان

- رئیس اول: نظرتون چیه بانوان رو محروم کنیم؟
- رئیس دوم: بانوان که کاری نکردن!
- رئیس اول: پس آقایان رو محروم کنیم.
- رئیس دوم: همه آقایون که نبودن!

● رئیس اول: من نمی‌دونم، بالاخره جلسه مون باید به خروجی داشته باشه. حداقل یکی رو جریمه میلیاردی کنیم.

● رئیس سوم: می‌خواین به عنوان خروجی، پاداش برای خودمون تعیین کنیم؟

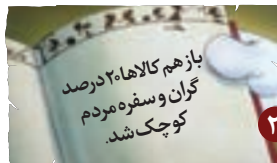
● رئیس اول: ایول عجب فکری بود.



بزرگه

آرش آریانی

جوری که مسئولان به معیشت مردم واکنش نشون می‌دن



صفحه ۶

۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

شماره ۱۰۵

ناسوس

فرشته شایان

عه! پس دعوی زرگری که می‌کن اینه! شما ساده‌اینها. اینا دارن ما رو صحنه سازی درست می‌کنن. دو روز در دکان رو بسته می‌کنن، ملت هم هول برمی‌داره، بدودو پشت در طلا فروشی‌ها زنبیل. بعد همین رئیس اتحادیه دلگرمی می‌ده که «مردم نگران نباشن، طلای بیخ‌زده برزیلی به اندازه نیاز هست!»



نقی معمولی

پرهام! بابا این حرکتا برای ما هم قفله. این صنف کلاگنکش بالاست. والا توی روسیه به ریش مالیات بستن و توی ژاپن به دور شکم چاق. نه کسی ریشش رو قطع کرد، نه دور شکمش رو آب. اینجا نمی‌شه به زرگر جماعت بگی جسارتا. روم به دیوار، گلاب به روتون، مالیات! ولی آقایون زرگرا داداچیا! همین گل بگیرن در دکان رو، به صرف‌تره. توی این بازار فروش ضرره، ضرر.



انگری برزد

جنگ دولت و زرگرها روی دور تند افتاد. طلافروشی‌های عصبانی که به نشانه اعتراض مغازه‌هایشان را در مشهد باز نکرده بودند، پلمب شدند! رئیس اتحادیه: به کسی چه ربطی دارد چه میزان سرمایه شخصی داریم؟ (جراید)

راست می‌گه خب. به کسی چه که اینا جقد زیورآلات... شیرآلات، آهن‌آلات دارن؟ شنیدین عباس آقا علی آبادی (وزیر صمت)، گفته تنوع نرخ دلار، ام‌الفسا... ضایعات، شیرآلات، این طلا هم که هرچی می‌شه، زارت می‌زنه بالا.



خونده یغلی



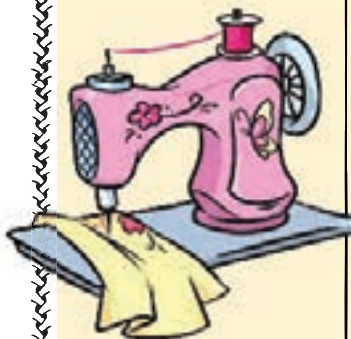
کمیته انضباطی فوتبال ایران در حکمی عجیب، با توجه به حاشیه های دیدار تیم های پرسپولیس و سپاهان، هرکدام از تیم ها را ۲ میلیارد ریال جریمه و دیدارهای فصل آینده تیم ها را فقط با حضور بانوان برگزار خواهد کرد.

- علیرضا بیرانوند: آقا این چه حکمیه؟! زن من گفته اگه اون همه زن توی ورزشگاه تشویق کنن، شب خونه راحت نمی دم.
- اینفانتینو: فکر کنم پس از این قانون ایران به اولین کشوری تبدیل بشه که باید درخواست بزنیم مردها رو هم به ورزشگاه راه بدن.
- هوشنگ نصیرزاده: فقط اگه خانومای هوادار با هم دعا کنن، دفعه بعدی فقط اجازه ورود نوزادا رو می دیم ها گفته باشم.
- وحید شمسایی: شاید بگین ربطی نداره، ولی من هم ۲۲ ساله که برنج نخوردم.
- یحیی گل محمدی: تا من بودم که هوادار رو محروم می کردین، حالا که نیستیم، می گین فقط خانوما بیان؟! آقا من قهرم.
- جواد خیابانی: اگه سرمربی اخراج بشن، طبق قانون باید برن روی سکوا، اما طبق قانون مرد نمی تونه اونجا باشه. پس طبق قانون هرکی اخراج بشه، کلا اخراج شده و باید ورزشگاه رو ترک کنه.
- الهام علی اف: به پیر، به بیغمبر، من مردم، رئیس جمهور آذربایجان! چرا فرت و فرت پیام می دین که بیا بازی رو ببین؟! 🇦🇿
- تماشاگرهای خانم: پس بقیه بازای این فصل رو هم با همون فرمون براتون درمی آیم که کل فصل بعد فقط خانوما برن ورزشگاه، بزن کف قشنگه رو 🇮🇷

صفحه ۷
۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۳
شماره ۱۰۵

گشاد نیست؟!

می دهند و گشاد که نیست، هیچ کوتاه و تنگ هم هست! هرچه خیاط غیرمردمی و ویژه مسئولان ما به آن ها می گفت یا بیایید لباس ها را اندازه تان کنیم یا لباستان را تحویل یکی بدهید که اندازه اش باشد. گوش نمی دادند و خودشان می پریدند و می دوختند. می گفتند ما خودمان چندتا پیراهن [از مردم] بیشتر پاره کرده ایم و می دانیم که در فرصت محدود خدمت به مردم نباید وقت خود را صرف لباس و خیاط کرد. بچه ها اندازه ما دستشان است، می روند خارج، لباس هایی در قد و قواره ما می آورند! خیاط هم وقتی دید دیگر کسی اندازه ای نگه نمی دارد که نکو باشد، آخرین لباس گشاد را برای خودش دوخت و رفت برای مدیریت اتحادیه اصناف کاندیدا شد. انتخاب که شد، من را فروخت به سمساری و در لباسی که دوخته بود، روی صندلی مدیریت، خودش را گم کرد و در کوزه افتاد.



پسر آقای سمسار با شلوار لی پاره می آید سمساری. به زبان چرخ خیاطی ها که از سوزنی سمرقندی یاد گرفته ام، می گویم: «سوزوسوزن، سوزوئزن، چی چی می زن؟! بزن بزن تا کی بزن!» که به فارسی سخت می شود «زشته به خدا با این شلوار لی پاره پوره می آی پشت پاچال وامیستی. مردم نمی گن این پسر چی می زنه؟! زنش بدین، آدم می شه. نشد، این قدر بزنینش تا صدای لولای دریده!»
من حتی حاضر بودم با اینکه عمری ازم گذشته و لباس های آدم های مهمی را دوخته ام، خودم پارگی های [شلوار] این پسرک را بدوزم، ولی خب گوشش بد حکار نیست و می گوید «مُده!» پسرک حتی تنبان پاره را بالاتر نمی کشد که ویوی ابدی ندهد! قدیم ها این گونه نبود که برون لباس مد، آن هم از بوتیک و موتیک بخرند. می رفتند پیش خیاط و خیاط اندازه می گرفت و لباسی می دوخت که نه تنگ باشد و نه به تن زار بزند. من هم چرخ خیاطی خیاط مهمی بودم، خیاط ویژه مسئولان، آن ها می آمدند و برایشان کت و شلوار می دوختم، ولی خب نمی دانم مسئولان رژیم می گرفتند یا خیاط اندازه ها را اشتباه می گرفت. چون بعد از مدتی لباس ها به تن آقایان گشاد به نظر می رسید. (برخلاف خیاط های مردمی که مشتریان شان با فرستادن عکس مدل های اینستاگرامی، سفارش

تتلو: قصدم ترویج ماده مخدر نبود، می خواستم برای کسانی که به مشروبات الکلی و ماده مخدر آلوده هستند، جایگزین گیاهی معرفی کنم تا ضرر کمتری داشته باشند، اما اشتباه بود. (خبر آنلاین)

هالک ایرانی: قصدم ترویج فتوشاپ نبود، می خواستم کسانی را که گرفتار لاغری هستند، به ورزش تشویق کنم.

بایدن: قصد ما سرکوب دانشجویان حامی فلسطین نبود، می خواستیم برای ساعت های خالی شان جایگزین مناسب پیدا کنیم، به همین دلیل آن ها را فرستادیم زندان تا هوا بخورند.

چوپان دروغگو: قصدم دروغگویی نبود، می خواستم برای کسانی که ترس از مواجهه با گرگ دارند، وضعیتتی ایجاد کنم تا ترسشان بریزد.

خودروساز: قصد ما کاهش کیفیت خودروها نیست، می خواهیم برای کسانی که به غفلت از یاد مرگ آلوده هستند، جایگزین معرفی کنیم تا دائم به یاد اون دنیا بیفتند.

جولان متکدیان دروغین در شهر (جراید)

گدانما

گدایم من، گدایم من، گدایم من، گدایم من،
علیلم، مستمندم، بی نوایم
مرا هر روز بینی بر سر راه
از این بابت برایت آشنایم
سرکوجه، ته کوجه، چپ و راست
غرض که بنده حاضر هر کجایم
مریضم، ناخوشم، زار و نزارم
بده با پول خود جانا شفایم
اگر دادی به بنده یک تراول
همان دم بشنوی فوری دعایم
وگر دستی به جیب خود نبردی
نثارت ناسزاها می نمایم!
گدایم من، گدایم من، گدایم من، گدایم من،
و هر روزی به یک شکلی درآیم
گهی بینی که پشت من خمیده ست
از این بابت شبیه لوییایم
گهی بینی که دستم تاب خورده
گهی بینی شکسته هر دو پایم
گهی بینی نمی بیند دو چشمم
گواهم عینکم هست و عصایم
گهی بینی به دستم نسخه ای هست
به داروخانه دنبال دوایم
گهی یک بچه هم بینی به دوشم
که تا شاید دلت سوزد برایم
دو روزه من نخوردم جوج و شیشلیک
همیشه باز باشد اشتهایم!
منم من باعث زیبایی شهر
به هر جا بشنوی لحن صدایم
تو که با من چنین بی اعتنایی
نکن این سان نظر بر جامه هایم
تورا من می خرم، می سازم آزاد!
بله، من غرق در پول و طلایم
منم که صاحب شش بنزکویه
و دو تا پورشه و یک ماکسیمایم
منم که صاحب ویلای مبله
به استانبول یا آنتالیایم
به ماه مارس در ایتالیا
به ماه فوریه اسپانیایم
گدایم من، گدایم من، گدایم من، گدایم من،
گدایی کاسیم، بی ادعایم
تمارض می فروشم در خیابان
چو نازل می شوم حتما بلایم

الهی!
آنان را که از قیمت ها آگاه هستند و روزانه قیمت ها را بررسی
می کنند، یاری کن تا بتوانند قدمی هم در این راه بردارند.

پنجه
ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهرآرا
ساحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
سر دبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
دبیر ضمانت: ارزنگ حانمی
دبیر پلخمون: مجتبی نغعی راد
پیماک: ۳۰۰۷۲۸۹
دریافت نسخه الکترونیک از: shahraraneews.ir

صرفه جویی در خنک شدن

در خبرها خواندیم مدیرعامل شرکت توانیر از پر مصرف هاشاکی شده و گفته است: «مصرف کولرها در ایران معادل مصرف برق یک کشور ۱۲۰ میلیون نفری است!» یعنی اگر آدم های گرمایی نبودیم، می توانستیم برق یک کشور ۱۲۰ میلیونی را تأمین کنیم. حالا ببینیم چطوری می شود کم مصرف تر خنک شویم!

